

# فن تاریخ

نکارش جناب م. قدیر خان ترکی

-۲-

آنطو نیو بر وک گیا، این شخص در سنہ ۱۷۴۳ کتابی نوشته و در آن بادر نظر گرفتن اساس مدرسہ منسوبہ خود سیستم مفیدی را در اخذ مالیات طرح کرد. آنطو نیوگہ نوردی، گر چه در اثری کہ این مولف نوشته میخواست اساس جدیدی را در اقتصاد طرح کند ولی بطور غیر ارادی زمینہ سخن را بسوی مدرسہ مرکا تلیمز امتداد و عقائد خود را شبیه بہ عقائد مرکا تلیمت ها اظهار کرده است.

انگلستان :-

درین وقت مولفین انگلیس افکار آنطو نیوسر را را تعجب میکردند تا اینکه در اوائل قرن ۱۷ راجع بہ آزادی تجارت اهالی زیادہ تر متماثل شدند لهذا شخصی موسوم بہ سروالتر رالیک در ضمن اینکه اسباب تفوق هولاند را کہ بالمقابل انگلستان داشت معلوم کند باین نتیجہ واصل شد کہ سیستم آزادی مناسبات اقتصادیہ مخصوصاً آزادی مناسبات در امور زراعت بہ فائدہ انگلستان تمام می شود و نظریہ این شخص کہ راجع بہ قیمت پول و اهمیت آن در تروت بود باطل برآمد. تھوماس مون، این شخص کسی است کہ میتوان آنرا متعصب ترین تلیمند مدرسہ مرکا تلیمت ها نام داد چہ کتابیکہ این مولف در سنہ ۱۶۰۹ تحت عنوان (ایضاحی راجع بہ تجارت انگلستان باهند) نوشته بود ترویج سیستم مرکا تلیمت را بصورت مہیا نمیکند توصیه میکند، بعد ازین شخص طوریکہ در تاریخ اقتصاد بہ نظر میرسد دوران انگلستان اشخاص دیگری پیدا شدند کہ طرفدار این مدرسہ بودند ولی چون افکار ایشان آقدر صائب نبود لهذا صرف نظر شد.

فرانسه :-

در فرانسه مولفینیکہ ازین مدرسہ طرفداری نموده باشند فقط دو نفر است کہ نظریات آنها قابل اینست کہ در تاریخ اقتصاد از ان نام برده شود یکی ازین دو نفر (فرانسوا لون) می باشد این شخص گذشتہ ازینکہ منسوب بملک مرکا تلیمز بود مفہیم ثلاثہ، (طلا) تروت، سرمایہ را بصورت واحدی می داند و در امور ات دیگر بعد از کمی تفاوت تحت قبومیت مسلک منسوبہ خویش حرکت می نماید اما فرد دوم آن (فوربونا ئس) است این شخص در مسائل دیگر گر چه طرفدار اسلاف خود است ولی انصافاً راجع بہ پول قدمی فراتر گذشتہ است چہ او میگوید پول زیادہ تر از معیار تروت واسطہ واحده مبادلہ می باشد، و همین است کہ این نظریہ تا کنون در جمیع و محافل علمای اقتصادی مورد اعتبار می باشد.

## مؤلفین آلمان :

چون مؤلفین و مدافعین این مسلک در آلمان از یکطرف بسیار زیاد و از طرف دیگر رجال و زمام داران حکومت بوده در ساحت عملیات قدمهای بزرگی درین راه برداشتنند از آنرو اسهای ایشان با کتب مؤلفه آنها صرف نظر شد زیرا تفریق موقعیت و اهمیت ایشان بحث را بطول می انجامد و خاص همین قدر می توان گفت که این مسلک در آلمان بسیار ترقی نموده بود ( ۱ )

بعد از مسلک اقتصادی ماکا تللیزم که زمینه ملیت و وطن دوستی را در تمام اروپا شدت داد نویسندگان دوره بزرگ رومانتیزم هم درین زمینه خدمات قابل قدری نمودند گویا باین صورت دوره بیداری شعور ملی از دوسر چشمه ادبیات یعنی از مسلک رومانیزم و مسلک رومانتیزم آب خورده شاداب گردید اگر چه مسلک کلاسیزم هم درین زمینه خدمت کرد ولی آن مسلک تمام حیات خود را بصورت احیای السنه ملی و غیره گذرانیده در سیاسیات و اجتماعات مثلی این دو مسلک مخصوصاً رومانتیزم دخیل نبوده و می توان گفت کلاسیزم زمینه رومانتیزم و رومانتیزم باعث یک سلسله اصلاحات امور اجتماعیه گردیده است که باین صورت کلاسیزم را هم درین

اصلاحات سهم دانستن چندان دور از انصاف و حقانیت نیست هر حال میرویم بمقصد .  
علت چهارمیکه در تسریع جریان افکار و اعمال ملیت مؤثر ثابت شد مسلک ادبی بود که از اواخر قرن ۱۸ آغاز و باواسطه قرن ۱۹ خاتمه یافت این مسلک که در حیات یکنیم قرنه خود با یک قوت تمامی در ادبیات اروپا مصدر اصلاحات اجتماعی گردید همان مسلک رومانتیک است ؛ این مسلک ادبی بعلتی مصدر اینگونه اصلاحات شد که اشعار وطنی و ملی سروده ؛ نغمه های حب وطن را ترنم و عادات و آمال ملت و وطن خود را در ضمن منظومه ها و یا مقالات یا کتب متثور با یک احساسات رفیعی ترجیح می کردند .

چون این مسلک در موقعی که بشریت بوردما بدایت داشت و جنب خود فهمیده و صحت و سقم امور را کاملاً تمیز کرده می توانستند بر روی کار آمد لذا سرعت برق رو به تعمیر رفت .  
از رومانتیک هائیکه درین زمینه خدمات بسیار با فایده بطور وسیع بطور نمونه سه نفر آنها را در ذیل می نویسیم که آن سه نفر در فرانسه شاتوبریای و در انگلستان سروالترسکات و در آلمان شله گل بودند ( ۲ ) که اینک در ذیل به تحریر مسلک و خلص نظریات و سبک تحریر این ایشان اکتفا کرده می شود :

( ۱ ) مباحث این مبحث بطور اجمال از کتب متعددی مثل تاریخ اقتصاد تالیف پروفسور داکتور ژرگ کوئرا و تاریخ مدنیت جلد ۳ تالیف شارل سه نیوبوس و تاریخ ادبیات اروپا تالیف وان نیگم گرفته شده که صحف آن بوا سطره آدایته که بنده نموده نمی توان بخوبی مشخص کرد .  
( ۲ ) اشقبا نشود که من این سه نفر را بزرگترین رومانتیک ها دانسته از آنها نام بردم خیر موضوعیکه روی دست دارم چون در فروعات یعنی شعب کوچک رومانتیک زیاد تر تماس داشته با مسلک اینها تصادف می نماید لذا ازین جهت ایشان مصدر خدمت زیاد تری گردیده اند .



شاتو بریان : فرانسوا آرنه ویکونت ده شاتو بریان ( ۱۷۶۸ - ۱۸۴۸ ) منسوب یکی از فامیل های قدیم بریطانیا و شخصاً فرانسوی میباشد این شخص چندی با آمریکا و انگلستان سیاحت و وایس وارد فرانسه گردیده در اوقات رستوراسیون به مرتبه سفارت و وزارت نائل شد و سپس راجع به سیاست و تاریخ آثاری نوشت و خاطراتی از خود باقیانده بعد از ۱۸۳۰ منزوی شد .

مسلك نحر بر او : چون شاتو بریان يك شخص بی صبر، خود بین ، خیال پرست ، سودائی زود و هر چه نوشته تماماً سوپرکتیف است این محرر چون دارای قوه زیاد ابتکار بود لذا کتب بسیار مهمی نوشته و چون نمیخواست تنها او را يك نویسنده رومانیک بخوانند لذا در دور و مان خود وقتی می خواهد از کاتولیک ها مدافعه کند مسائل اخلاق ، حسی ، بدیعی را طوری دران کنجاند که تصور می رود يك عالم اخلاق و هم يك عالم نفس و هم فیلسوف بدایع است و پس ازان چند کتب دیگر با سما و عناوین مختلفی نوشت .

کارا کتر مخصوص او از تمام منسویین مسلك رومانیک این است که تا آن وقت هیچ نویسنده در اروپا یافت نمی شد که بتواند مثل او در نوشته جات مشورا احساسات خود را که از خرابه ها و دشت ها و جنگلها و بالاخره اقوام خیر متدین در او تولید می شود بر روی صفحه کاغذ رسم کند ؛ اسلوب تحریر او از جنبه طلاق و احترام نظیر ندارد ؛ در نوشته جات او چنان اسراری وجود دارد که انسان را بی اختیار مجذوب می دارد ؛ بالاخره این فرد را بدر تمام ادبای رومانیک فرانسه نام میکنند ازین باعث در تطبیق اجتماعیات و ادبیات و یا ادبیات تطبیقی شاتو بریان موقعیت بلندی دارد .

سر والتر سكات پروسایی نویسنده ای که جنبه اجتماعی و روان تاریخی هم بدو داده می شود در ۱۷۷۱ در ادینبورگ متولد و در انشای جوانی ذوق شاعری در او تولید شده اولاً مجموعه شعری بنام مجموعه عاشقان و بعد از آن چند منظومی راجع به خطوط اساسی رومان تاریخی نوشته متعاقباً يك سلسله رومان های تاریخی تحت عنوان ( واورله ) و بعد ازان وقتیکه وارد لندن شد کتب ایوانوو و که نیلوورت و کوشنتین دورورد و چند کتاب دیگری را که از آنها در تواریخ ادبیات نام برده اند نوشته و بالاخره در ضمن تالیفات دیگری که مد نظر داشت در سنه ۱۸۲۲ مرد .

سر والتر سكات اوضاع محیط های اجتماعی و حیات فامیل ها را بصورت بسیار استادانه تصویر نموده و اصول های جدیدی را که تاریخ ادبیات همیشه آن را قید خواهد کرد طرح نمود گرچه اصول انشای رومان های او ناقص بوده اهمیت تاریخی ندارد و اصول های علم النفس که دران بکار برده شده هم چندان طرف اعتنا نیست ولی از جنبه اینکه آن رومان ها دارای جاذبه و تصویر کننده احساسات بشری بوده بسیار طبیعی به نظر می خورد رغبت آور

می باشد و نویسنده ها را بسوی خود جلب و همه را طرفدار سبک او نموده بود .  
مخصوصاً در کتابی که تحت عنوان ( فرو نیک راجع به سلطنت شارل ۹ نوشته ) و کاملاً  
نصیر کننده سبک مخصوص او می باشد بسیار دارای اهمیت شده بود .

امتیازیکه رومان تاریخی این نویسنده از رومان های دیگر داشت اینست که وقایع را طوری  
ایجاد می نمود که گویی کاملاً حقیقت دارد زیرا از هر دوره که می خواست بنویسد اولاً به  
قهرمان آن عرف و عادت همان دوره را داده قیافه او را طوری نشان میداد که اهالی آن زمان  
در همان دوره آن قیافه را دارا بودند اینک اصول و غایه را که رومان تاریخی تعقیب کرده و  
به نهایت کامیابی آن را بانجام رسانده بود همین است که افتخار ابتکار آن تنها و تنها به سرو والتر  
سکات عائد بوده نویسنده های دیگریکه بعد از آن درین زمینه چیزی نوشته اند مقلدین و معاقبین  
او بحساب می روند .

این شخص که در سنه ۱۷۶۸ تولد و در سنه ۱۸۴۰ مرده است اولین  
و بلهلم شه له گل : فرد رومانیک آلمان بوده پدر رومانیک های آن مملکت نامیده  
می شود ؛ این شخص زیاده تر از دارائی صفت ابتکار هم منقد و هم مورخ ادبیات و هم شاعر بوده  
است و یک قسمت از زندگانی خود را محضاً صرف تحریر و تتبع آثار نویسندگانی که دوره رنسانس  
ایتالیا ، اسپانیه ، برتگال نموده آثاری که در آن زمینه نوشت بسیار مقبول واقع شد .

سبک تحریر این نویسنده دارای خصوصیتی می باشد که اسلاف مذکور همان خصوصیت را  
دارا نبودند چه وقتی انسان آثار این محرر را می خواند بی اختیار بجزیه های منتقل می شود که  
همه و همه دارای جنبه ایقناظ و انتباه است و بطوری مفهوم و طنز را در ضمن نوشته جات  
خود بخواننده تلقین می کند که اکثری از مشاهیرین اروپا افسوس می خورند که نام نگذاشته بودند (۱)  
این بود عوامل ثلاثه که زمینه ملیت را طرح و ملل را یکسان بیکان بران داشت ناملیت های  
خالصی را که بدون شائبه باشد برای خود اتخاذ کنند و این مسئله تجارت از یک جریان شدید  
اجتماعی بود که در تحت تاثیرات سیاست انجام داده می شد .



این جریانات شدید اجتماعی و سیاسی بحدی کسب اهمیت کرد که تمام طبقات ملل چه ادبا و  
نویسندگان چه علما و فلاسفه چه مصلحین و سیاستپون همه و همه را وادار کرد تا ازین جریان سهمی  
گرفته هر کدام مطابق ذوق و سلیقه و بالاخره اقتدار و صلاحیت خویش داخل عمل کردند همان  
بود که ادبا و نویسندگان از روی احساسات شخصی و علما و فلاسفه باتکای دلائل و براهین عقلی  
و فلسفی و علمی ، مصلحین و زمام داران از راه نفوذ و اقتدار مادی و معنوی خود ها موضوع  
ملت و ملیت را تعبیر هائی کردند که اکثر آ جنبه نفسی و ذهنی ( سویرکتیف ) داشت مثلاً

(۱) این مبحث را کننده کننده از کتب تاریخ مدنیت تألیف سه نبوبوس و کتاب تاریخ ادبیات  
اروپا تألیف وان بگم و تاریخ قرون اخیره تألیف علی رشاد افندی جمع و آدایته نمودم .



علمای لسان به تصنیف السنه و علمای نسب شناسی مشغول تطبیقات قوانین مقایسه وی ججه ها و علمای اجتماع جهت اثبات و امتیاز ملیتها مصروف جمع نمودن و نائق تاریخی شدند تا اینکه در آلمان فورمولی را طرح کردند که مبنی بر فائیت اهالی شمال اروپا بود و متعاقب آن پروفسور کینس انگلیسی این نظریه را در کتابی که تحت عنوان « اساسهای عرق مدنیته » نوشته بود تردید نموده اثبات کرد که مدنیته یک موضوع بین المللی بوده هیچ ملتی نمیتواند آن را مال خالص خود بداند.

بهر حال این رویه دو اهداشت تا نیمه اخیر قرن ۱۹ : در نیمه اخیر قرن مذکور مسائل اتحادات و ائتلافات شدت کرده موضوع مهم بان جرمانیزم یعنی اتحاد عرق جرمن و بان اسلاویزم یعنی اتحاد عرق اسلاو روی کار آمده مسبب قضایای مهمه گردید که بعد از سنه ۱۸۲۰ در تحت عنوان حوادث ( بین یونان، سرب، رومانی، بلغار و امیراطوری عثمانی ) ( و مجارستان و بوهمیا و خروانسان و استریا ) ( و آبرالند و انگلستان ) ( بلژیک و فلنک ) و پولونیا و روسیه تزاری ) در تاریخهای عمومی نوشته می شود (۱)

شاید زیاده ازین در تفصیل دادن این موضوع احتیاجی نباشد زیرا وقائیکه در خلال این اوضاع در اروپا روداد تاریخ قرون اخیره آن را ثبت نموده و صرف چیزیکه درین مورد تازه ( برای محیط ما ) بنظر بر خورد علل و موجدات مسئله بود که تصور میکنم تا کنون هیچ تاریخی در اروپا مثل سلسله تاریخ مدنیته ۳ نیوبوس درین گونه موضوعات اصول تحلیل و ترکیب را که خاصه تاریخ نگاری این عصر است رعایت نکرده باشد ازین جهت علل و اسباب اولیه را تا جائیکه از تاریخ مذکور مناسب دانسم نوشتم حالا میروم تا نتایج این بحران های شدید را فقط تنها از زاویه تاریخ نگاری مطالعه کنم

روسیه کا و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتایجیکه این جریانات به مؤرخین اورمغان آورد :

شاید اجازه داشته باشم تا یکویستم مجریکتی که کار اجتماع از روی فکر و عقیده واقع میشود یک عده عقده های را که در نزد اسلاف لاینحل بود میکشاید، جریانات اخیره قرن ۱۹ و تکاملاتی که در صنایع، تجارت، وسائل سفریه و ... اخیراً رو دادیم چنانکه تمام شعب حیات انسان ها را سر و صورت درستی بخشید بهمان درجه شعور تاریخ و یا تاریخ نگاری را هم از بحرای قدیم او منحرف نموده لباس دیگری باو پوشانید؛ درینوقت علوم اخلاقیه که در اطراف حادثات اخلاقیه انسان ها مصروف تحقیقات شد بر روی کار آمده السنه، کتب، قوانین و نظامات ملل را تحت اصول معینی زیر تحقیق و مذاقه گرفت؛ باین کار اولاً از طرف علمای فرانسه دست زده شده، سپس علمای دارالفنون آلمان از ایشان تاسی کردند تا اینکه اولاً ریشه السنه هندی و ایرانی را کشف و بعد ازان بالسنه و ادیان یونان و لاتین

(۱) تاریخ مدنیته جلد ۳ تألیف سه نیوبوس ترجمه احمد رفیق افندی .

مقایسه نموده علم لسان را با (مقایسه اساطیر) تاسیس کردند و فهمیده شد که السنه بصورت تصادفی تشکیل نشده یکی بدیگری ارتباط دارد و قوانین ارتباطی آن ها بسیار منظم می باشد ولی (سرف) السنه در آن وقت عبارت از يك عده قواعدی بود که چندان انتظامی نداشت لهذا دو نفر عالم موسوم به کریم و یوپگرامر را بصورتی منظم کردند که بتوانند منشاء و تبدل السنه را ایضاح و آن را صورت علم درآورد و شخص دیگری که مسمی به هومبولد بود علم لسان را تاسیس و السنه تمام اقوام را در زیر يك اصول علمی درآورد. (۱)

و بعد ازان تحقیقات لسان تحت همین اصول روز بروز کسب و سعت نموده تا اینکه اخیراً لئون کاهون فیلولوک معروف فرانسه در نتیجه تحقیقاتی که بالسنه آریا نموده بود آن را مرتب و بطور نمونه چند مثال آن را در مجمع علم لسان فرانسه بطور کنفرانس ایراد و اثبات نمود که لسان فرانسه م چون از بعضی جهات مشتق از لسان اهالی قدیم بومی اسپای وسطی است لهذا دوراز امکان نیست که منشعب از لسان آریا باشد و (۲) همچنان علمای نیمة اخیر قرن ۱۹ اروپا در ضمن تاسیس شعب دیگر علوم در این جای تاریخ نیز افتادند و همان اصول قدیم تاریخ نگاری را که تنها به نقل و قانع اکتفا میشد در تحت يك اصول معینی که حاوی علل و اسباب تبدلات جمیات بشریه باشد درآوردند آغاز به تحقیقات تاریخ کردند و درین زمینه پیش آهنگ علمای لسان شناسی آلمان بوده اند این علما چنان قاعده که بتوانند از روی آن تحقیقات درست علمی و فنی در تاریخ بنمایند وضع و برای تسبیح معنی تواریخ يك اصول دیگری که آنرا اصول تنقید نام می گذارند نیز تاسیس کردند و چون این اصول تاریخ نگاری مستلزم چنان موادی است که تاریخ را وثاقت کاملی بخشد لهذا برای تهیه مواد اولاً در یونان و ایتالیا و مصر و آنور آغاز بحفریات نمودند تا با کشف کتب و اسناد قدیمه برای نگارش تاریخ ایشان و ثانیاً که موقوف دانسته شود بیرون آید و بعد ازان آغاز به تحقیقات بزرگانی جماعات انسانی از روی قوانین اجتماعی که تا آنوقت در سطح علمی (اولاً اینکه نامکمل بوده است) نمودند و همین است حقوق تاریخیه ، سیاست نامه بخیه ، تاریخ اقتصاد بمیدان برآمد درین حال می توان مدعی شد که قرن ۱۹ عادتاً يك قرن تاریخ بوده است (۳) .

(۱) تاریخ مدنیّت جلد ۳ صفحه ۵۳۲ تألیف سه نیوبوس و صحف مختلف کتاب منطق تألیف آغا اوغلو ترزخانم .

(۲) از کتبخ های متعلقه نگارنده که از طرف روشن اشرف افندی ترجمه و در دو شماره روز نامه جمهوریّت تورکستان که قبل نشر شده بود .

(۳) آدایته از صحائف متعدد تاریخ مدنیّت جلد مؤلفه شارل ۳ نیوبوس .